



## Iran Data Portal

Speaker or Agency: Mohammad Khatami

Title:

Language: Persian

Western Date: 8 August 2009

Persian Date: 17 Mordad 1388

Physical/Electronic Location: <http://www.mowjcamp.com/article/id/11193>

---

محمدرضا خاتمی: جبهه اصلاحات از اعتراضات قانونی خود دست برنمی‌دارد  
متن کامل مصاحبه روزنامه اعتماد با محمدرضا خاتمی

نزدیک‌ترین همفکران دکتر محمدرضا خاتمی در احزاب مشارکت، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران، مجمع روحانیون مبارز و کارگزاران سازندگی نزدیک به ۶۰ شبانه روز است که در بازداشت به سر می‌برند؛ بازداشت‌هایی که در عمر ۳۰ ساله نظام بی‌سابقه بوده است. بی‌سابقه از آن رو که بازداشت‌شدگان جملگی از کارگزاران عالی‌رتبه دولت و مجلس در چند سال گذشته بوده‌اند. دکتر خاتمی هم چند ساعتی در بازداشت به سر برد. گفت وگویی «اعتماد» با دبیرکل سابق حزب مشارکت هم از این بازداشت شروع شد.

-شما هم روز اول بازداشت‌ها چند ساعتی بازداشت بودید. ماجرا از چه قرار بود؟

این هم قسمتی از یک سلسله بازداشت‌ها بود. چون آن شب تمام اعضای حزب که در یکی از جلسات عادی دفتر سیاسی بودند، پس از حمله‌ای غیرمنتظره بازداشت شدند و حتی افرادی که زودتر جلسه را ترک کرده بودند در منازلشان دستگیر شدند. من هم در شرایطی که حتی اجازه عوض کردن لباس‌های منزل را ندادند دستگیر شدم. چهار ساعت هم بازجویی شدم، صبح هم به همراه چند تن دیگر آزاد شدم. این طور به نظر می‌رسید که می‌خواستند شلوغی‌های خیابان‌ها در روز شنبه را به جلسات ما نسبت بدهند.

© 2009, The Trustees of Princeton University

[www.princeton.edu/irandataportal/](http://www.princeton.edu/irandataportal/)

-محور پرسش‌ها چه بود؟

قسمت عمده‌ای از بازجویی‌ها مربوط به جلسه ما بود که چه تصمیمی می‌خواستید بگیرید. چه کاری قرار است انجام بدهید. در کل ما را مسوول به خیابان آمدن مردم می‌دانستند که من هم جواب‌های لازم را دادم. گفتیم کسانی که روی حزب مشارکت کار می‌کنند و همه جا را شنود می‌کنند مطمئن بودند که آمدن مردم به خیابان کار حزب مشارکت نیست. از نگاه ما این سناریویی بود که همچنان ادامه دارد.

بخش دیگری از سوالات هم مربوط به خود حزب بود که خیلی به جریان انتخابات مرتبط نبود و بیشتر مربوط به سابقه حزب و کارهایی که حزب انجام می‌داد بود. من نمی‌دانم آیا به دنبال این بودند که اطلاعات خود را درباره حزب تکمیل کنند یا می‌خواستند به عبارتی یک دستی به ما بزنند. اما من مطمئنم با توجه به اطلاعاتی که داشتند به خوبی می‌دانستند این حوادث به حزب ما مربوط نمی‌شود. نه تنها به حزب ما که به هیچ کدام از احزاب اصلاح‌طلب مربوط نیست. علت اینکه این حوادث را به حزب مشارکت و دیگر اصلاح‌طلبان منتسب می‌کردند این بود که نقطه پایانی بر سناریویی که نوشته بودند، بگذارند.

-برابر با اخبار منتشر شده پنج دسته ضابط قضایی افراد را دستگیر می‌کردند. اعضای حزب شما توسط کدام یک از ضابطین قضایی بازداشت شدند؟

مطمئنیم که دستگیری‌ها توسط وزارت اطلاعات یا مستقیماً توسط دستگاه قضایی نبوده است. اگرچه یک حکم قضایی کلی که تاریخ حکم هم مربوط به قبل‌تر بوده، داشتند اما دستگاه قضایی راساً نقشی نداشته است. نیروی انتظامی هم نبوده است. شواهد و قرائن حاکی از این است که دستگیری‌ها زیر نظر قرارگاه ثارالله بوده است.

-شما به یک سناریو اشاره کردید که قرار بوده دستگیری اعضای حزب مشارکت و دیگر گروه‌های اصلاح‌طلب نقطه پایان آن باشد. این سناریو چه بوده است؟

اگر تبلیغات و اظهارنظرهای گروه‌های اقتدارگرا را دنبال کرده باشید، زمزمه‌هایی درباره انقلاب مخملی، براندازی نرم و مسائلی از این قبیل شنیده می‌شد. شما اگر روزنامه کیهان و دیگر رسانه‌های نزدیک به این روزنامه را پیگیری کنید به راحتی می‌توانید این خط را پیدا کنید. اخیراً هم دیدیم و شنیدیم که برخی مسوولان اصلی آنها گفتند از یک سال پیش مطلع بودند و تمام امور را زیر نظر داشتند. اگر با زاویه دید آنها نگاه کنیم

مجموعه اتفاقات و فعالیت های گروه های سیاسی برای شرکت در انتخابات، انقلاب مخملی است که با سرنگ خارجی و عوامل داخلی صورت می گیرد. از نگاه آنها این جریانی است که وابسته به خارج است و برنامه های خارجی ها را اجرا می کند. می خواهند از انتخابات استفاده کنند تا به جایی برسند. این زاویه نگاه آنان است. اما دیدگاه ما کاملاً متفاوت است. ما معتقدیم عده یی افراد دلسوخته نظام و کشور جمهوری اسلامی هستند که متوجه نارسایی ها و کمبودهای شدید در کشور شده اند و در تلاش بوده اند با روش های مسالمت آمیز از طریق قانونی آنها را درمان کنند و در ریل اصلی خودش که آرمان های انقلاب اسلامی است پیش ببرند. این افراد از امکانی جز امکان قانونی داخلی هم نمی خواهند استفاده کنند و مکانیسم های انتخابات را نیز با تمام ایراداتی که دارد پذیرفته اند. قبول کرده اند که با وجود نظارت استصوابی و ده ها اشکال دیگر وارد انتخابات بشوند. این دیدگاه ماست. حالا دیدگاه افرادی که معتقدند این اقدامات برای انقلاب مخملی بوده مملو از تناقض است.

-چه تناقض هایی در نظر آنها وجود دارد؟

ببینید انقلاب های مخملی و رنگی در کشورهای اتفاق افتاده است که نظام آنها دو ویژگی برجسته داشته است. نخست دیکتاتوری بوده اند، دوم وابسته بودند. ما در هیچ کشور مردمسالار مستقلی انقلاب مخملی ندیده ایم. برای اینکه در این کشورها سازوکارهای قانونی وجود دارد که مردم می توانند حرفشان را به دولت برسانند. بنابراین سناریونویسان انقلاب مخملی این اعتراف را می کنند که روز به روز پایگاه مردمی دارد تضعیف می شود که می توان با یک انتخابات آن را ساقط کرد. من به درستی و نادرستی برگزاری انتخابات کاری ندارم اما همین که مردم پدیده تقلب را قبول دارند و در یک روز بیش از سه میلیون نفر در تهران به خیابان می آیند همین نشانگر این است که حکومت نتوانسته حرف های خودش را به مردم القا کند. این یک تناقض است که سناریونویسان باید به آن پاسخ بدهند. دومین ایراد هم این است که افرادی ادعا می کنند از یک سال قبل متوجه شده اند عده ای از اصلاح طلبان می خواهند از انتخابات سوءاستفاده کنند. شما که می دانستید قرار بوده انقلاب مخملی راه بیفتد چرا پیشگیری نکردید؟ چرا اجازه دادند کشور وارد آشوب شود. اخیراً دولت ترکیه گروهی را به اتهام طراحی کودتا دستگیر کرده است. آیا دولت ترکیه باید اجازه می داد کودتا کنند بعد برای دستگیری آنها اقدام می کرد. اگر ادعا می کنند قبل از انتخابات از همه چیز خبر داشتند چرا این افراد را دستگیر نکردند. اگر می دانستید این انتخابات انقلاب مخملی است چرا تایید صلاحیت کردید؟ کسی که قرار بوده عامل انقلاب مخملی شود چرا از شورای نگهبان تایید صلاحیت می گیرد؟ سومین تناقض آقایان این است که کوچک ترین سندی برای اینکه قرار بود انقلاب مخملی در کشور اتفاق بیفتد ارائه نکرده اند. در ۱۲ سال پس از اصلاحات این همه را دستگیر کرده اند اما آیا مدرکی پیدا کرده اند که نشانی از انقلاب مخملی باشد؟ الان هم عده ای را دستگیر کرده اند. شما به کیفرخواست نگاه کنید کوچک ترین دلیل محکم پسندی برای ادعاهایی که تبلیغ می کنند، وجود ندارد. اینکه در کیفرخواست

می‌گویند آمریکا و اسرائیل قرار بوده این کار را بکنند و آن کار را انجام بدهند خب پیش از این در روزنامه کیهان آقای شریعتمداری نوشته است. از افرادی هم که اعتراف گرفته‌اند هیچ کدام حرفی از انقلاب مخملی نزده‌اند. فقط به بحث تخلف و تقلب در انتخابات اشاره کردند. کدام یک سند داشتند که این افراد با غرب ارتباط داشتند. (البته امیدوارم بعد از این مصاحبه آنها را وادار نکنند به این مسائل هم اعتراف کنند) هیچ وقت نمی‌توانند مدرکی در رابطه با انقلاب مخملی ارائه کنند. اکثر افرادی که دستگیر شده‌اند هیچ وقت ارتباطی با بی بی سی یا شبکه خبری صدای آمریکا و دیگر رسانه‌های خارجی نداشته‌اند. خط مشی مشارکت این بوده که از امکانات داخلی استفاده کند اما وقتی همه راه‌ها بسته می‌شود و عرصه بر خانواده‌های دستگیرشدگان تنگ می‌شود، خانواده زندانیان مجبورند با بی بی سی مصاحبه کنند علاوه بر اینها اینان خودآگاه یا ناخودآگاه (گاهی آدم مشکوک می‌شود که اینها از جای دیگری خط می‌گیرند) کاری می‌کنند که تلویزیونی مثل بی بی سی می‌تواند کشور را به هم بریزد. پرسش ما از آقایان این است که این چه اوضاعی است که در داخل درست کرده‌اید با هفت شبکه تلویزیونی و ده‌ها شبکه رادیویی ۲۴ ساعته شبکه تلویزیونی مثل بی بی سی که دوسوم برنامه‌هایش هم رقص و آواز است می‌تواند کشور را به هم بریزد. بنابراین اگر بی بی سی نمی‌تواند باعث اختلال در کشور شود و عوامل داخلی وجود دارد خب این نشان می‌دهد مردم ناراضی هستند و این نارضایتی باعث بی اعتمادی شده است که ممکن است حرف درست شما را هم نپذیرند. آینه چون نقش تو بنمود راست/ خودشکن آینه شکستن خطاست. اگر بخواهیم مسوولیت نپذیریم و همه چیز را به گردن دیگری بیندازیم که سورنا را از سر گشاد زدن است و هیچ فایده‌ی هم ندارد. زمانی که قتل‌های زنجیره‌ی ری رخ داد آن را به گردن اسرائیلی‌ها انداختند. یا در جریان دستگیری و بلاگ نویسان گفتند اینها جاسوسند. کجا رفتند جاسوس‌ها؟ آیا نارضایتی ملی از بین رفت؟ مگر نه اینکه وقتی جریانی کشف می‌شود یعنی از بین رفته و دیگر نمی‌تواند تداوم داشته باشد. پس چرا همچنان سر جای اول هستند. غیر از این بوده که تحلیل غلط داشته‌اید؟ الان هم که همان تحلیل غلط را دارید، تا کی می‌خواهید گناه حضور خود را به گردن دستگیرشدگان بیندازید.

-آقای دکتر خاتمی، اگر حزب شما وضعیت پیش آمده در انتخابات را نمی‌پذیرفت و زیر بار آن نمی‌رفت و از آن طرف هم اعتراض نمی‌کردید چه می‌شد؟

اینجا دو مساله وجود دارد؛ یکی موضع‌گیری‌های سیاسی و دوم حرکت‌های اجتماعی. موضع‌گیری سیاسی کار احزاب و گروه‌هاست. آنها در برابر حوادثی که اتفاق می‌افتد باید موضع مشخصی داشته باشند. نوع برخوردی هم که از ابتدا شد، معلوم بود قرار نیست به طور جدی به تخلفات رسیدگی شود. وقتی نتایج روز اول انتخابات مورد تایید قرار می‌گیرد، مگر می‌شود انتظار رسیدگی به تخلفات وجود داشته باشد؟ ما فقط گفتیم نتیجه انتخابات را قبول نداریم و به صلاح نظام، کشور و مردم است که تجدید شود. اگر گروهی معتقدند آرای مردمی کسب

کرده اند از رای گیری مجدد چه ترسی داشتند؟ این موضع حزب ماست. اما این موضع ما با آنچه مردم انجام داده اند کاملاً متفاوت است. مردمی که به حرکت درآمده اند، احساس کردند به شعورشان، رایشان و به اقدام ملی که در انتخابات شرکت کردند، توهین شده و خود مردم به راه افتادند. اینها چون با حرکت عظیم و متحد مردم روبه رو شدند به دنبال متهم بودند. فکر می کردند این حرکت عظیم را جبهه مشارکت شکل داده یا آقای موسوی سازماندهی کرده است. برای اینکه اگر این گونه به دنبال متهم و مقصر نمی گشتند باید قبول می کردند مهم ترین محرک مردم در این حرکت های سیاسی و اجتماعی سوء عملکرد خود آنها بوده است. بنابراین فرافکنی می کنند و تقصیر را به گردن احزاب و سازمان ها می اندازند. می خواهند افرادی را که در انتخابات شور آفرینی کردند تبدیل به ستاد آشوب کنند تا تئوری پیش ساخته خود را اثبات کنند. اما بپذیرید که این گونه نیست. گروهی جوان، کارشناس و شخصیت های ورزیده سیاسی که تمام توان خود را بر این گذاشتند که در انتخابات پیروز شوند و مشارکت مردم در انتخابات را به مرز ۴۰ میلیون رساندند به نتیجه اعتراض دارند. دستگیری این افراد نه تنها خلاف قانون و شرع است بلکه رفتاری ناجوانمردانه است. این ۱۰ میلیون نفری که پای صندوق آمده اند، حاصل کار اصلاح طلبان بود. حالا این افراد دستگیر می شوند تا تئوری شیطانی انقلاب مخملی ثابت شود. البته به نظر ما این تئوری فقط و فقط برای پیاده کردن افراد دیگری از قطار انقلاب بوده است.

-رابطه این دو جنس موضع گیری چیست؟

این دو جریان متفاوت است. چون حزب مشارکت این توان را ندارد که بتواند این عده از مردم را به خیابان ها بیاورد چراکه اگر این توان را داشتیم در جاهای دیگری از آن استفاده می کردیم.

-مثلاً کجا؟

وقتی ما گردهمایی می خواهیم تشکیل دهیم، کل افرادی که می توانیم جمع کنیم دو هزار نفر است. برای این کار سازماندهی و امکانات کافی نداریم.

-به سازمان رای حزب هم اشکال وارد کرده اند؟

بله، الان می خواهند به عنوان مدرک جرم علیه ما استفاده کنند. نمی دانند که سازمان رای سازماندهی نیروهای حزبی است برای اینکه مردمی که نمی خواهند پای صندوق بیایند تشویق کنند به رای دادن و این هیچ ربطی به حرکت های مردمی ندارد؛ حرکت های خودجوش که فشار زیادی آوردند تا خاموش اش کنند. چشمشان را روی

امواج عظیم نارضایتی‌ها بستند و من دلسوزانه می‌گویم اگر طرفدار نظام هستید چشمان تان را روی واقعیت‌ها باز کنید و ببینید در درون جامعه چه می‌گذرد. این درست نیست که سناریویی نوشته شود، بعد از دوم خرداد بخواهند خود را با آن تطبیق دهند و بالاخره روزی مشکلات آنقدر جدی می‌شود که باعث شکست می‌شود. الان یکی از مشکلات درون ملت این است که بسیاری از این نیروها و بخش‌های عمده‌ای از نهادها این سناریو را باور نکرده‌اند.

-این سناریو ساخته کیست؟

مهم نیست ساخته کیست اما نهادها و بخش‌های قدرتمندی هستند که می‌توانند حرف‌هایشان را تحمیل کنند و بخش‌های دیگر را مجبور به سکوت کنند. کاری که ما بعد از انتخابات کردیم حرکتی مدنی-سیاسی و فقط اعتراض در قالب اعلام موضع بود. نه مشارکت، نه سازمان، نه جبهه اصلاحات و نه شخص آقای موسوی، کروی یا خاتمی هیچ کدام کوچک‌ترین اقدامی که مردم را برای آمدن به خیابان‌ها تشویق بکند، نکردند. خود مردم حرکت‌هایشان را سازماندهی می‌کردند و این طبیعی است که ما هم جزیی از مردم هستیم و چون حرکت‌های مسالمت‌آمیز مردمی است ما هم در آن شرکت کردیم و شرکت در این مراسم باعث افتخار ما بود. اما در حقیقت ما در این جریان حضور مردمی را می‌بینیم که درست مثل اتفاقات زمان انقلاب است اگر امام را به عنوان یک رهبر پیشتاز استننا کنیم بقیه رهبران ما همه پشت سر مردم بودند و مردم چندین قدم جلوتر از رهبران بودند. الان هم این اتفاق در کشور تکرار شده که مردم با فاصله بسیار زیاد از رهبران حرکت می‌کنند. مدیریت کشور را چهار سال است به دست گرفته‌اند و مردم از نظر اقتصادی و حتی فرهنگی در تنگنا قرار گرفته‌اند. در جناح راست چه کسی در اجرای سیاست‌های فرهنگی بهتر از آقای صفارهرندی است؟ ولی وقتی سیاست‌ها شکست می‌خورد همه می‌گویند کی بود کی بود من نبودم. آقای صفارهرندی می‌گوید با تحمیل و فشار نمی‌شود به کارها ادامه داد. این حرف آقای صفارهرندی است. خب مگر اصلاح‌طلبان بودند که چهار پنج سال کشور را اداره می‌کردند که اکنون شما این گونه یکدیگر را خنثی می‌کنید؟ در همه مسائل همین طور است.

-این موضع‌گیری‌های حزب مشارکت تا کی می‌خواهد ادامه پیدا کند، آیا شما حرکت‌های مردم را حمایت می‌کنید؟

احزاب در داخل کشور دچار مشکلات زیادی هستند و ما از لحاظ نداشتن امکانات و رسانه‌های تبلیغاتی دیگر دچار مضیقه هستیم. این حرکت‌های ما را محدود می‌کند. بیش از اینکه به فکر این باشیم که احزاب می‌توانند نقش‌های عظیم اجتماعی داشته باشند، در مرحله اول باید حزب را جا بیندازیم و به حاکمیت بگویم وجود حزب لازم است و وقتی این مرحله را طی نکنیم امکان برنامه ریزی درازمدت وجود ندارد. ما باید پایه‌های حزب را

محکم کنیم. امسال یازدهمین سال تاسیس حزب مشارکت حزب است و در این ۱۱ سال اینقدر تحت فشار بودیم که هنوز معتقدیم حزب کاملی نیستیم اما به همان اندازه که توانستیم حزبییت خود را ثابت کنیم در مسائل اجتماعی و فرهنگی و در حوزه های محدود نقش داشته‌ایم. حزبی که حتی یک روزنامه نداشته باشد چگونه افکارش را باید به مردم بگوید. حزبی که اجازه یک گردهمایی ندارد، چگونه باید با مردم سخن بگوید یا حزبی که هر فردی می‌تواند آن را تهدید کند و مصونیت ندارد، چگونه می‌تواند اثرگذار باشد.

- این کار درازمدت شماسست. پرسش من ناظر به همین اتفاقات است.

مهم‌ترین وظیفه مشارکت تحلیل صحیح و روشن‌گری است و بگوییم که چگونه می‌خواهند اذهان را فریب دهند و مهم‌ترین دلیل هم این بوده که کودتای مخملی که توسط آنها برنامه‌ریزی شده بود، شکست خورده. این قدرت نمایی که افراد را به دادگاه می‌آورند اعتراف می‌گیرند دلیل شکست آنها است. به نظر شما چند نفر باور کردند این اعتراف‌گیری‌ها واقعی بوده. این به چه صورت حاصل شده است به خاطر این بوده که احزاب توانسته‌اند حقیقت را به مردم بگویند. البته ما تمام تلاش مان را برای آزادی دوستان مان کرده‌ایم و می‌کنیم. یکی از اهداف بزرگ اصلاح‌طلبان ارائه الگوی درست از جمهوری اسلامی است. ما جمهوری اسلامی خواه هستیم. البته این کار سختی شده چون در ذهن مردم از جمهوری اسلامی همین اتفاقات نقش بسته است ولی ما نباید از آرمان و اعتقاد خودمان دست بکشیم. اما من معتقدم جمهوری اسلامی که ما می‌گوییم یک مزیت دارد و آن هم این است که تحمیل نمی‌شود. یعنی وقتی مردم می‌گویند ما جمهوری اسلامی نمی‌خواهیم، ما حق نداریم به مردم بگوییم «اشتباه می‌کنید، باید بخواهید». البته می‌توانیم بگوییم ما جمهوری اسلامی را قبول داریم اما اگر هم نخواستند این حق آنهاست و ما تلاش می‌کنیم جمهوری اسلامی را درست به مردم نشان دهیم و آنها را مایل به جمهوری اسلامی کنیم. این مزیت جمهوری اسلامی است که ما معتقدیم باید وجود داشته باشد. ما به هیچ وجه از جمهوری اسلامی خواهی دست برنمی‌داریم، اما آن را نقد و نفي می‌کنیم با روش‌های قانونی و مسالمت آمیز.

-مجموعه اصلاح طلبان یا حزب مشارکت چه فرمولی برای معرفی چهره واقعی جمهوری اسلامی دارند؟

راه همین راهی است که آمدیم و درست هم هست و در روش چارچوب مهم است. یعنی روش‌های مدنی و قانونی، مسالمت آمیز و پرهیز از خشونت و استفاده از ظرفیت‌های ملی. این اصول ماست که از این اصول تبعیت می‌کنیم و این راهی است که امروز جواب داده. اما نقشه آنها را باید خواند و این طور به نظر می‌رسد که می‌خواهند با این فشارها ما را به نقطه جوش برسانند تا جایی که منفجر شویم و دست به کارهایی بزنیم که بهانه به دست آنها بدهد. اما عموم جبهه اصلاح طلبان متوجه این توطئه هستند و خود کنترلی و تحمل درد و رنج و

استفاده از ظرفیت‌های قانونی نکاتی است که اصلاح‌طلبان رعایت می‌کنند و به آنها پایبند هستند. ظرفیت‌های قانونی یعنی قانونی که در قانون اساسی آمده است. قانون اساسی می‌گوید تجمعات آزاد است و احتیاج به مجوز هم ندارد. حزب قانونی هم حق دارد اعلام موضع کند که آنها جلوی اعلام موضع را می‌گیرند و هزینه را زیاد می‌کنند و نمی‌توانند تا ابد با استفاده از قوه قهریه یا فشار جلوی مردم را بگیرند.

- آیا جبهه اصلاحات از حرکات قانونی خودش دست برمی‌دارد؟

قطعاً دست بر نمی‌دارد. جریان‌ات سازمان یافته سیاسی اصلاحات حتماً این مسیر را می‌روند.

- جنبش اجتماعی چه نسبتی با آقایان موسوی، خاتمی و کروبی دارد؟

جنبش اجتماعی آنقدر قوی است که همه را به دنبال خودش می‌شاند. یعنی جریان تقلب در انتخابات خیلی از پرده‌ها را از چشم‌ها کنار زد و خیلی از رودر بایستی‌ها را هم از بین برد.